

مرکز پژوهش‌های مجلس:

طلب تامین اجتماعی از دولت به نقطه غیر قابل وصول می‌رسد

مانده بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی در پایان سال ۱۴۰۰ به بیش از ۳۶۶ هزار میلیارد تومان رسیده و در آینده‌ای نزدیک به نقطه غیر قابل وصول می‌رسد.

به گزارش اکوایران، آن‌طور که مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش داده، پارادوکس برنامه‌های حمایتی در قالب بیمه‌های اجتماعی، سیاست‌گذار را دچار سردرگمی و مناقشه کرده است. از یک‌سو برنامه‌ریزی‌ها برای تسویه بدهی دولت به صندوق هاست اما از سوی دیگر دولت تلاش می‌کند با امتیازات بیمه‌ای فراوانی را به گروه‌های خاص اختصاص داده یا صندوق بازنشستگی فولاد را به دولت انتقال می‌دهد که همگی تشدیدکننده شرایط ناپایداری در صندوق‌های بازنشستگی است.

طبق این گزارش، ریشه انباشت بدهی‌های دولت به تامین اجتماعی را باید در اعطای یارانه‌های بیمه‌ای به گروه‌ها خاص (با هدف تبعیض مثبت) جست‌وجو کرد. در این موارد دولت سهم بیشتر یا تمام حق بیمه را به تامین اجتماعی پرداخت می‌کند اما پذیرش این تعهدات و دیوید کرد در عدم پرداخت آن موجب انباشت بدهی دولت به تامین اجتماعی شده که البته بخشی از بدهی ناشی از مبالغی است که دولت در گذشته از تامین اجتماعی قرض گرفته است. براساس گزارش مرکز پژوهش‌ها مانده بدهی دولت در سال پایانی برنامه ششم توسعه یعنی ۱۴۰۰ حدود ۳۶۶ همت برآورد شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد عملکرد دولت در بازپرداخت بدهی خود به تامین اجتماعی در مقابل ایجاد تعهدات جدید، قابل توجه نبوده است. در این گزارش آمده است: مطالبات تامین اجتماعی به عنوان بزرگترین صندوق بازنشستگی کشور از دولت طی برنامه چهارم توسعه به‌طور متوسط از رشد ۱۰٫۷ درصدی و در برنامه پنجم توسعه نیز به‌طور متوسط از رشد ۳۵٫۲ درصدی حکایت دارد. تداوم روند مذکور موجب رسیدن سطح مطالبات به نقطه غیر قابل وصول در آینده بسیار نزدیک شده که این امر به وقوع بحران در صندوق‌ها منجر خواهد شد. حدود ۳۰ درصد این بدهی‌ها مربوط به معافیت بیمه‌شدگان حمایتی از پرداخت حق بیمه و ۱۸ درصد مربوط به تعهدات دولت ناشی از بازنشستگی‌های پیش از موعد است. در حالی که هر دو نوع این تعهدات قانونی بدون توجه به محاسبات بیمه‌ای و الزامات علمی بیمه‌های اجتماعی به تصویب رسیده است.

نماینده نیشابور:

نرخ تورم دووونیم برابر افزایش حقوق مردم است

نماینده نیشابور می‌گوید: می‌خواهند واقعیت‌ها را زیر حرف‌های قشنگ و شعارهای زیبا قایل کنند ولی در نگاه به شاخص‌ها، می‌بینیم بسیاری از آنها رشد منفی دارند.

احسان ارکانی به رویداد ۲۴ می‌گوید: بسیاری از دامداران در یک سال و نیم گذشته و در پی اجرای حذف ارز ترجیحی و آزاد شدن قیمت نهاده دامی ناپدید شدند. برای مردمی‌ها نیز همین اتفاق افتاده و کشاورزان ما که بسیار ضعیف بودند، با موضوع قطع برق چاه‌های کشاورزی که سه‌روز در میان، قطع می‌کنند، آسیب دیدند و فکر می‌کنم آخرین بازماندگان کشاورزی در حال زمین‌گیر شدن هستند. وی می‌گوید: درباره بحث مردم عادی و تورم، اوضاع به همین منوال است. طی یک سال گذشته تاکنون، تقریباً میانگین تورم حدود ۵۰ درصد بوده ولی افزایش حقوق ۲۰ درصد، یعنی تورم ما دووونیم برابر افزایش حقوقی بوده که برای کارمندان، کارکنان و کارگران اعمال کرده‌ایم. این اتفاقات، به معنی کوچک شدن سفره‌های مردم و کم شدن سبد مواد غذایی آنهاست که نتیجه آن را می‌توان در کاهش خرید و مصرف لبنیات، مواد پروتئینی، گوشت، مرغ و سایر کالاها دید که همه اینها روی سلامت مردم نیز اثرگذار است.



ارکانی می‌گوید: در بحث افزایش رشد بیکاری نیز وضعیت به همین صورت است. شعار دادیم که وقتی روی کار بیاییم و مسئول شویم، تورم را کنترل می‌کنیم، قیمت ارز را کاهش می‌دهیم، بیکاری را درست می‌کنیم، مسکن می‌سازیم، خودرو ارزان و باکیفیت می‌شود اما طی یک سال و نیم گذشته از عمر دولت، تقریباً برعکس خیلی از اینها اتفاق افتاده است.

دلایل افزایش سابقه بازنشستگی از زبان کارگری که پایش را در معدن جا گذاشت

این تصمیم‌گیران، هیچ نمی‌دانند

نسرین هزاره مقدم



«کار با اعمال شاقه» چکیده حرف‌های «علی» کارگر معدن در

همین چند کلمه خلاصه می‌شود. کار کردن کیلومترها زیر زمین، در معدن خصوصی و وقتی ایمنی نه حرف اول را می‌زند و نه حتی حرف آخر، از اعمال شاقه چیزی کم ندارد.

در یک نظام عادلانه، دستمزد هر کارگر باید متناسب با سختی‌های کار باشد اما کارگرانی که در معادن و با هزاران سختی جان می‌کنند و جان را در معرض خطر همیشگی قرار می‌دهند، دستمزدی که می‌گیرند، بسیار کمتر از استحقاق‌شان است؛ دستمزدی که کمتر از یک دهم یا یک بیستم درآمد یک پزشک متخصص در یک بیمارستان خصوصی، یک مدیر دولتی یا یک نماینده مجلس است. در روزهایی که گاه از فیش‌های حقوقی نجومی از ماهی‌پزنان در فضای مجازی رونمایی می‌شود و مسئولان وجود چنین فیش‌هایی را از اساس تکذیب می‌کنند، حقوق شغلی این حداقل‌گیران که عمر و جوانی را زیر زمین به یغما می‌دهند، در حال از بین رفتن است. از یک طرف آیین‌نامه مشاغل سخت‌وزن‌ها را برهم‌دستی اتاق بازرگانی، تغییر می‌کند و از سوی دیگر، مدیرانی که حتی یک روز از عمر خود را زیر زمین در معرض گرد زغال سنگ و خستگی هوا سپری نکرده‌اند، برای افزایش سنوات بازنشستگی این کارگران و سخت شدن شرایط کارشان، نسخه می‌پیچند.

برای اینکه بدانیم همین امروز مصائب این کارگران چقدر جدی‌ست و تغییرات بیشتر چطور می‌تواند به این سختی‌های جانکاه دامن بزند، پای صحبت‌های علی نشستم؛ کارگری که از معدن خصوصی مکهب مستطیلی فلزی با چهار

زغال سنگ در زند کرمان، کارگری که بر اثر یک حادثه کار در سال ۹۷، یک پای خود را از زانو دست داده و در سی و چند سالگی تبدیل به یک انسان معلول شده...

روایت علی از روز حادثه و بعد از آن، دلخراش است. در یک ثانیه همه چیز را دست رفته، یک پا، شغل، جوانی و درآمد ثابت ماهانه. او می‌گوید: «معدن ایمن نبود و بارها قرار بود تعطیل کنند که البته هر بار کارفرما با بازرسان کنار می‌آمد. یک روز در آذر سال ۹۷، پای من رفت زیر دستگاه و از دست زانو قطع شد. آن روز من را در بیمارستان رساندند چون امکانات نبود. معدن آمبولانس نداشت و من را با وانت حمل زغال سنگ به بیمارستان کرمان بردند. آن قدر دیر رسیدم که دیگر پیوند ممکن نبود. اول پایم را پیوند زدند اما جواب نداد و آن روز زانو قطع کردند.»

مکهب مستطیلی فلزی با چهار

چرخ که شش متر طول، ۱٫۵ متر عرض و ۱٫۵ متر ارتفاع دارد و با سیم بکسل بالا و پایین می‌شود، با صدایی مهیب فرود آمده است. علی در روز حادثه در حال بارگیری بوده که دستگاه اپراتور ناخودآگاه این گاری مکعبی را حرکت می‌دهد. این دستگاه عظیم در عمق ۷۰۰ متری زیر زمین از روی پای علی ردمی‌شود و پادونیم می‌شود.

علی آن روز پاییزی سال ۹۷ را

بعد از حادثه و قطع عضو، تازه اول بدبختی‌ست. علی که در روز حادثه ماه‌ها معوقات مزدی داشته، موفق به وصول آنها نشد. معدن هیچ حمایتی از کارگری که به خاطر سهل‌انگاری کارفرما، جان و سلامتی‌اش را از دست داده، صورت نداده و علی مجبور شده کلی دوندگی کند و در نهایت کارش به دادگاه کشیده و توانسته غرامت بگیرد؛ غرامتی

سخت‌ترین روز زندگی‌اش توصیف می‌کنند؛ روزی که همه امیدهایش بر باد رفته است: «همه چیز فقط به تار مویی بند بود. اگر ایمنی رعایت شده بود، اگر گاری حمل زغال سنگ در کسری از ثانیه از جادو نمی‌رفت و روی پای من نمی‌افتاد و اگر معدن آمبولانس داشت...» اینها همه حسرت‌هایی‌ست که بر دل یک کارگر حادثه‌دیده و نقض عضو شده تأقیام‌قیامت می‌ماند و معلوم نیست مسئولیت بر باد رفتن ساده‌ی زندگی

بر عهده کیست؟

پایم از زانو قطع شده، آن یکی کمرش دیسک دارد و مهره‌هایش جابه‌جاشده، دیگری آرتروز شدیدی داشته دار و خیلی‌ها ریه ندارند. هیچ ظلمی از این بالاتر نیست که به ما بگویند سه سال بیشتر بمانید و کار کنید

که باز هم به اندازه هزینه‌های درمان و بیکاری نبوده؛ بیکاری‌ای که این کارگر را بعد از ۱۳ سال کار در معدن آزار داده: «نه گذاشتند نه برداشتند و فقط گفتند دیگر بایک پایه در مانمی‌خوری. من را که قرار داد ۹۰ روز داشتیم، بعد حادثه‌از کار بیکار کردند. حتی نتوانستم به خاطر اخراج از کار فرما شکایت کنم. گفتند اخراج نشدی، قراردادت تمام شده و عدم نیاز خوردی‌های، هیچ اهمیتی نداشت که من پایم را برای کار از دست داده‌ام...»

اوست سال بیکاری را تحمل کرده تا در نهایت در سال ۱۴۰۰ با عوض شدن مدیر عامل معدن و وساطت این و آن، توانسته بازگشت به کار بگیرد. حالا کار ساده‌تری به او داده‌اند و گرچه کار کردن در معدن با یک باخیلی دشوار است اما با حقوق حداقلی این کار است که زندگی خانواده چهار نفره علی می‌چرخد.

علی، رنج باقیمانده از حادثه را در تمام سال‌های بعد، یک تنه و بدون هیچ حمایتی تاب آورده می‌گوید غرامتی که بعد ماه‌ها دوندگی گرفته، ناکافی بوده. در طول سال‌های بعد از حادثه، پای آسیب‌دیده بارها عفونت کرده و هر بار مراجعه به بیمارستان چند میلیون هزینه روی دست او گذاشته. «چطور هزینه‌ها را تامین کردی؟» پاسخ می‌دهد: «هیچ ارگانی به من وام نداد. این همه خیریه و صندوق کمک مثلاً در این کشور است، هیچ کدام به کارگر حادثه‌دیده کمک نمی‌کنند کمی فامیل و آشنایان کمک کردند و خود هم زمان بیکاری مسافر کشی کردم. کلاج ماشین را برقی کردم و بایک پاراندگی می‌کردم.»

علی که ۱۸ سال از عمر و یک پا از پیر زمین از دست داده، منتظر است دو سال دیگر بگذرد و باز نشست شود. او با جسم معیوب، روزهای سختی را زیر زمین می‌گذراند ولی می‌گوید: این سختی‌ها را تا نباشد و نینباید، نمی‌توانید تصور کنید. همین چند وقت پیش در یکی دیگر از معدن کرمان، یک کارگر هر دو پایش را در حادثه کار از دست داد. مسئولان چه می‌دانند این سختی‌ها چیست؟ اصلاً پایشان را یکبار داخل معدن زغال سنگ



گفت و گو

استاد اقتصاد دانشگاه تهران:

مدیران ذی‌نفع در برابر اصلاح صندوق‌های بازنشستگی مقاومت می‌کنند

اجاره‌بها، سهم بسیار بالایی در سبد مصرفی دهک‌های پایین دارند. وی افزود: کاش دولت در سند برنامه خود مشخص می‌کرد که تعریفش از خانواده بر خوردار چیست زیرا هنوز در میان اقشار فرادست بسیار مشاهده می‌شود که یارانه افراد متمول واریز می‌شود و احتمالاً همان‌ها نیز از سبد کالایی عرضه شده در بحث کالابرگ الکترونیکی بهره‌مند خواهند شد.

بغزبان اضافه کرد: البته درست است که پوشش کالابرگ باید بیشتر از سه دهک باشد اما در مقابل این، یک رویکرد غلط نیز در زمان آقای احمدی‌نژاد بود که یارانه حق برابر تمامی اقشار و دهک‌هاست و حتی ایرانیان خارج از کشور هم باید دریافت کنند. کل ارزش این یارانه که قرار است به کالابرگ تبدیل شود، برای طبقات ثروتمند کمتر از ۱۰ دلار ارزش دارد و چنین رویکردی مضحک به نظر می‌رسد. این نوع نگاه به‌طور کلی خالی از وجدان اجتماعی است زیرا سیاست‌های توزیع درآمد در ایران ضعیف است و منجر به افزایش شکاف طبقاتی در همین یک دهه اخیر شده است. بسیاری از اقشار با درآمد‌های بسیار بالا کمتر بین مالیات را می‌دهند.

این کارشناس اقتصادی در پایان پیشنهاد داد: سیاست کالابرگی باید وزنی باشد و نباید بر اساس مبلغ ریالی که در جریان تورم آب می‌شود، در نظر گرفته شود یعنی دولت باید با صراحت اعلام می‌کرد که مثلاً به مردم در ماه یک کیلو مرغ، یک شانه تخم مرغ، یک لیتر روغن و یک قوطی رب و یک بسته قند می‌دهم و این حجم کالا در همه ماه‌ها ثابت می‌ماند. اینکه کالابرگ تنها یک مبلغ قابل انتقال به صورت تخفیف روی برخی اقلام دارای قیمت دولتی و مدیریت شده باشد، به نظر جوابگو نیست و اثر آن در میان مدت از بین خواهد رفت. دولت تا جای ممکن باید از سیاست‌های پرداخت نقدی به ویژه در مورد اقشار و دهک‌های دچار آسیب‌های اجتماعی بپرهیزد. حتی به نظر بهتر است دولت در باره برخی گروه‌های اجتماعی بی‌خانمان و بسیار تنگدست تنها مکان خواب و وعده غذایی توزیع کند و این برای آنها موثر تر است.



دولت در تخصیص کالاهای اساسی در مانده شده است

بغزبان با اشاره به بحث کالابرگ الکترونیکی در فصل ششم این لایحه به مجادله‌ای که در رابطه با نوع توزیع کالابرگ میان کارشناسان وجود دارد، اشاره کرد و گفت: این مسئله که دولت تهران روی سه دهک تأکید دارد، نگران‌کننده است. اینکه دولت به صورت کالابرگ آن هم با یک مبلغ اندک و محدود به کالاهای اساسی تأکید می‌کند، در شان مردم ایران نیست. دولت نگران سیاست‌های حمایتی خود بوده و درباره تخصیص کالاهای اساسی دچار در ماندگی است که به بحث توزیع کالابرگ روی آورده است.

این کارشناس اقتصادی افزود: رشد قیمت‌ها در اقتصاد آن قدر بالاست که قیمت برخی اقلام مصرفی مانند شیر طی مدتی کوتاه دو برابر شده است. از آنجا که دولت تسلطی روی موج افزایش قیمت‌ها ندارد، نیازمند توزیع کالابرگ شده و از کنترل نرخ‌ها ناامید شده است. البته خوب است که دولت می‌خواهد یارانه خود را به صورت کالایی توزیع کند؛ به‌ویژه اینکه اقلامی مانند مرغ، شکر و روغن در کنار



خبر

مدیرعامل صندوق بازنشستگی:

حقوق بازنشستگان کشوری احتمالاً تغییر می‌کند

ترکی افزود: ۷ هزار میلیارد تومان برای بیماران خاص بازنشسته اختصاص یافت که هر بازنشسته بیمار خاص در هر مرکز درمانی تا سقف ۵۰ میلیون تومان معاف از پرداخت هزینه هستند و برای مابقی هزینه‌ها از بیمه تکمیلی استفاده می‌شود. وی افزود: این صندوق یک میلیون و ۶۵۰ هزار نفر عضو دارد اما هیچ راهکاری برای برون‌رفت مشکلات صندوق بازنشستگی در لایحه برنامه هفتم ارائه نشده است.

مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری گفت: ۹ هزار میلیارد تومان بودجه در قالب مناسب‌سازی حقوق بازنشستگان تا پایان تیر ماه تعیین تکلیف می‌شود. به گزارش ایلنا، نعمت‌الله ترکی در نشست با نمایندگان کانون بازنشستگان مازندران گفت: در بخش درمانی بازنشستگان، قسمتی از بیمه تکمیلی بدون سقف تعیین شده و مابقی هزینه‌ها در همه مراکز درمانی زیر پوشش بیمه اصلی قرار می‌گیرند.

